

فارسی هفتم

ستایش

کلمات و معنی آن‌ها:

- مونس: همدم
- روان: روح، جان
- کارگشا: مشکل‌گشا
- هستند: وجود دارند
- هست‌کن: خالق
- درازدستی: سرکشی
- عنایت: لطف و توجه
- توفیق: موفقیت

بازنویسی شعر:

۱. ای نام تو، بهترین سرآغاز / بی نام تو، نامه کی کنم باز؟
معنی: ای خدا نام تو بهترین نام برای آغاز هر کاری است / بدون ذکر نام تو کتاب را آغاز نمی‌کنم.

۲. ای یاد تو، مونس روانم / جز نام تو، نیست بر زبانم
معنی: ای خدا نام تو همدم روح و جان من است / جز نام تو چیزی نمی‌گویم.

۳. ای کارگشای هرچه هستند / نام تو، کلید هرچه بستند

معنی: ای خداوندی که برطرف کننده مشکلات هستی / نام تو مانند کلیدی است که درهای بسته را باز می‌کند.

- آرایه: نام خدا به کلید تشبیه شده است.

۴. ای هست گُن اساس هستی / کوته ز درت، دراز دستی

معنی: ای خالق پایه و اساس جهان / هیچ ستم و تجاوزی به درگاه تو راه ندارد.

- آرایه: درازدستی، کنایه از سرکشی و ستم.

۵. هم قصه نانموده، دانی / هم نامه نانوشته، خوانی

معنی: خدایا تو از داستان‌های پنهان با خبر هستی / و نامه هایی که نوشته نشده است را می‌خوانی.

- اشاره به آیه قرآن: خداوند آنچه آشکار می‌کنید و آنچه پنهان می‌کنید، می‌داند.

۶. هم تو، به عنایت الهی / آنجا، قَدَم رسان که خواهی

معنی: تو هم با لطف و توجه خداوندی‌ات / من را به جایی که خودت می‌خواهی برسان.

۷. از ظلمت خود، رهایی ام ده / با نور خود آشنایی ام ده

معنی: مرا از تاریکی خودم رها کن / و با نور خودت آشنا کن.

فارسی هفتم

- آرایه: ظلمت و نور با هم تضاد دارند.

یادآوری کنایه:

وقتی از عبارتی استفاده می‌کنیم، اما منظور ما معنای ظاهری و نزدیک آن نیست.

مثال:

- آب در هاون کوبیدن.
- زیر پام علف سبز شد.

مدرسه مجازی اینو